

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۹/۰۷/۱۷  
تاریخ بررسی مقاله: ۱۳۸۹/۱۰/۰۹  
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۰/۰۱/۲۱

مجله‌ی علوم تربیتی دانشگاه شهید چمران اهواز  
پاییز و زمستان ۱۳۹۱، دوره‌ی ششم، سال ۱۹-۲  
شماره‌ی ۲، صص: ۶۶-۴۵

## بین‌المللی سازی برنامه‌ی درسی در نظام آموزش عالی ایران: چالش‌ها و راهبردها

کوروش فتحی واجارگاه\*  
عیسی ابراهیم‌زاده\*\*  
مهران فرج‌اللهی\*\*\*  
مهرنوش خشنودی‌فر\*\*\*\*

### چکیده

مطالعه‌ی حاضر چالش‌ها و راهبردهای بین‌المللی سازی برنامه‌های درسی<sup>۱</sup> در نظام آموزش عالی ایران را به‌طور کیفی، از دیدگاه مدیران و استادان آموزش عالی ایرانی و دانشجویان غیر ایرانی، از طریق انجام ۱۲ مصاحبه‌ی انفرادی و تشکیل ۲ جلسه گروه‌های کانونی، مورد بررسی قرار داده است. نتایج مطالعه بیانگر آن است که کسب اقتدار علمی ایران، مستلزم حرکت نظام آموزش عالی به سوی بین‌المللی شدن است و در این راستا عواملی چون زبان تدریس، صلاحیت استادان، خدمات پشتیبانی و همکاری‌های بین‌المللی در بین دانشگاه‌ها در کنار تأمین منابع مالی، انسانی و فناوری و چگونگی بهره‌برداری از فرصت‌هایی چون جذابیت‌های فرهنگی در ایران، از چالش‌های آموزش عالی در دستیابی به این مهم محسوب می‌شوند. بر اساس نتایج، راهبردهایی چون شناخت سایر نظام‌های آموزش عالی، هم‌افزایی دانشگاه‌های داخلی، در نظر گرفتن گوناگونی‌ها به منظور غنی کردن آن‌چه تدریس می‌شود و چگونگی تدریس آن، به همراه استفاده از رویکرد آموزش از دور در قالبی ترکیبی با آموزش حضوری، از مهم‌ترین راهبردهای بین‌المللی سازی برنامه‌های درسی هستند.

واژه‌های کلیدی: بین‌المللی سازی، بین‌المللی سازی برنامه‌ی درسی، آموزش عالی ایران.

\* استاد دانشگاه شهید بهشتی

\*\* دانشیار دانشگاه پیام نور

\*\*\* استادیار دانشگاه پیام نور

\*\*\*\* دانشجوی دکترای تخصصی برنامه‌ریزی آموزش از راه دور (نویسنده‌ی مسؤل)

mkh\_1142@yahoo.com

1- Internationalization of Curriculum (IOC)

## مقدمه

از ۶۰ سال قبل تا کنون در نظام‌های آموزشی دنیا تغییراتی به وجود آمده است و عوامل اقتصادی و سیاسی موجب افزایش تقاضا برای تحصیل شده‌اند. در دنیایی که اقتصادهای ملی به طور فزاینده‌ای به هم وابسته شده و جوامع الکترونیک به طور مجازی اندازه‌ی سیاره‌ی زمین را تحت تأثیر قرار داده‌اند، نه تنها به شهروندانی با سوادتر نیاز است، بلکه برای حمایت از نوآوری و توسعه به منظور ضمانت تسلط و برتری در بازارهای جهانی و دنیای سیاسی، پژوهش و بین‌المللی سازی، برای مؤسسات آموزش عالی یک دل‌مشغولی محوری به حساب می‌آیند. امروزه دانشگاه‌ها درهای خود را به سوی دانشجویان بیش‌تر باز کرده‌اند، طوری که در طی ۵۰ سال آینده و به طور قطع تا انتهای قرن ۲۱، ۷۵ درصد کسانی که در کشورهای توسعه‌یافته و ۵۰ درصد کسانی که در کشورهای در حال توسعه زندگی می‌کنند، بعضی از اشکال آموزش عالی را دریافت خواهند کرد (رابرتسون<sup>۱</sup>، ۲۰۰۰). در واقع، روند جهانی شدن و ایجاد جوامع بین‌المللی، نظام‌های آموزشی دنیا را به سوی تربیت افرادی با شایستگی‌های میان‌فرهنگی، دارای تفکر انتقادی و توانایی مواجهه و حل مسائل پیچیده‌ی روز سوق داده‌اند. طبق تعریف سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی<sup>۲</sup>، برنامه‌ی درسی بین‌المللی، برنامه‌ی درسی است با جهت‌گیری بین‌المللی در محتوا، با هدف آماده‌سازی دانشجویان برای عملکرد حرفه‌ای و اجتماعی در بافتی بین‌المللی و چند فرهنگی که برای دانشجویان داخلی و خارجی طراحی شده است (گالیگان<sup>۳</sup>، ۲۰۰۸). در واقع برنامه‌ی درسی مقوله‌ای است که هم محتوا و هم فرایند یاددهی-یادگیری را در بر می‌گیرد.

هدف کلی یک برنامه‌ی درسی بین‌المللی، پرورش دانش‌آموختگانی با شایستگی‌های بین‌المللی و میان‌فرهنگی است. محتوای آن نیز ضمن ارائه‌ی دیدگاه‌های مختلف در مورد موضوعات اقتصادی، سیاسی، محیطی و اجتماعی به دانشجویان، دانش مربوط به تفاوت در عملکردهای حرفه‌ای در میان فرهنگ‌ها را در بر داشته (والی، لانگلی و ویلاریل<sup>۴</sup>، ۱۹۹۷) و برگرفته از منابعی با ریشه‌های فرهنگی گوناگون است (انجمن دانشگاه‌ها و کالج‌های کانادا<sup>۵</sup>،

- 
- 1- Robertson
  - 2- Organization for Economic Cooperation and Development(OECD)
  - 3- Galligan
  - 4- Whalley, Langley & Villareal
  - 5- AUCC

۲۰۰۹) که بر دامنه‌ی وسیعی از راهبردهای یاددهی-یادگیری و ارزشیابی، منطبق بر نیازها و پیشینه‌ی دانشجویان مخاطب تأکید دارد.

برای بین‌المللی سازی برنامه‌های درسی، رویکردهای متفاوتی چون رویکرد افزودن<sup>۱</sup>، گنجاندن<sup>۲</sup>، تبدیل شونده<sup>۳</sup>، تلفیقی<sup>۴</sup> و دوره‌های تخصصی بین‌المللی<sup>۵</sup> وجود دارند که در رسیدن به اهداف مختلف مورد توجه واقع می‌شوند؛ لذا هر مؤسسه باید بافت و محدودیت‌هایش را در انتخاب روش مناسب مورد توجه قرار دهد (آسپان<sup>۶</sup>، ۱۹۹۳).

طبق آمار یونسکو (۲۰۰۵)، در سال ۲۰۰۴، ۲/۵ میلیون دانشجوی بین‌المللی در سراسر دنیا وجود داشته است که نسبت به سال ۱۹۹۹ دارای رشد ۵۶ درصدی بوده و این‌گونه پیش‌بینی شده است که این آمار در سال ۲۰۲۵ به ۷/۲ میلیون نفر خواهد رسید. درصد افزایش تعداد دانشجویان بین‌المللی آسیایی در کشورهای انگلستان، فرانسه و ژاپن در این سال‌ها بیش از ۹۰ درصد بوده است. این کشورها راهبردهای مختلفی چون بازاریابی ملی، مورد توجه قرار دادن سیاست‌های مهاجرت با هدف جذب دانشجوی، ارائه‌ی بیش‌تر برنامه‌ها به زبان انگلیسی و ایجاد قطب‌های آموزشی منطقه‌ای را برای جذب دانشجویان استفاده کرده‌اند (وربیک<sup>۷</sup>، ۲۰۰۶). آنچه جالب توجه است این است که در بین کشورهای جذب‌کننده‌ی دانشجویان بین‌المللی، کشوری چون مالزی که کشوری آسیایی و مسلمان است دیده می‌شود. مالزی بعد از ژاپن،

۱- افزودن محتوا، مفاهیم یا موضوعات و دیدگاه‌های بین‌المللی و میان‌فرهنگی به برنامه‌های درسی موجود بدون تغییر ساختار اصلی یا رویکردهای تعلیم و تربیتی آن‌ها (Add on).

۲- محتوایی که درک و دانش میان‌فرهنگی دانشجویان از فرهنگ‌های گوناگون را غنی می‌سازد و انعکاس‌دهنده‌ی دیدگاه‌های متنوع است، در برنامه‌ی درسی گنجانده می‌شود و به یادگیرندگان دانش تفاوت در عملکردهای حرفه‌ای در میان فرهنگ‌ها را ارائه می‌دهد (Infusion).

۳- بین‌المللی سازی برنامه‌ی درسی که مبتنی بر تغییر ساختار اصلی آن و رویکردهای یاددهی و یادگیری است (Transformative).

۴- تلفیق درک و فهم فرهنگی و توجه به تعامل فرا فرهنگی دانشجویان در طراحی برنامه‌ی درسی و فرایندهای تدریس و یادگیری (Integrative).

۵- اعطای مدرک تخصصی در زمینه‌ی مطالعات بین‌المللی، میان‌فرهنگی، چند فرهنگی، مطالعات تجارت و بازاریابی بین‌المللی.

6- Aspan

7- Verbik

هنگ‌کنگ و هند چهارمین کشور آسیایی میزبان دانشجویان بین‌المللی به حساب می‌آید (راهنمای بین‌المللی مطالعات خارجی<sup>۱</sup>، ۲۰۰۸) و این برای کشوری چون ایران نکته‌ای درخور توجه است؛ چون علاوه بر این که ایران کشوری آسیایی و مسلمان است، دارای تمدن و قدمت طولانی بوده و در عرصه‌ی علوم و آموزش و مطالعات بین‌المللی دارای پیشینه است که نمونه‌ی آن دانشگاه جندی‌شاپور در قرن پنجم است. لذا ایران ظرفیت بالقوه‌ی تبدیل شدن به کشوری برای میزبانی دانشجویان بین‌المللی به ویژه از قاره‌ی آسیا و منطقه را دارد؛ در حالی که بر اساس آمار، تعداد کل دانشجویان بین‌المللی که به طور پراکنده در دانشگاه‌های ایران مشغول به تحصیل هستند، کم‌تر از ۱۵۰۰ نفر اعلام گردیده است (آمار آموزش عالی ایران، ۸۷-۱۳۸۶). از طرفی، مطالعه در اسناد بالا دستی مربوط به آموزش عالی، لزوم حضور ایران به عنوان کشوری در حال توسعه در جامعه‌ی جهانی را نشان می‌دهد و در سند چشم‌انداز ۲۰ ساله «افق ۱۴۰۴» از ایران به عنوان کشوری توسعه یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه یاد شده است (نوروز زاده، ۱۳۸۶).

در سیاست‌های کلی «برنامه‌ی چهارم توسعه‌ی جمهوری اسلامی ایران» نیز بر مواردی چون سازماندهی و بسیج امکانات و ظرفیت‌ها در جهت افزایش سهم کشور در تولیدات علمی جهان؛ ارتقای جایگاه جهانی ایران؛ گسترش همکاری‌های دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی و تلاش برای دستیابی به اقتصاد متنوع و متکی بر منابع دانش، آگاهی، سرمایه انسانی و فناوری نوین تأکید شده است (سند چشم‌انداز، ۱۳۸۶). مطالب فوق بیانگر آن است که روی‌آوری به بین‌المللی سازی آموزش عالی ایران و برنامه‌های درسی آن، امری درخور توجه و اجتناب‌ناپذیر است.

## هدف تحقیق

تعیین چالش‌ها و راهبردهای بین‌المللی سازی برنامه‌های درسی در آموزش عالی ایران.

## سؤالات تحقیق

۱- آیا بین‌المللی سازی برنامه‌های درسی در آموزش عالی ایران ضرورت دارد؟

- ۲- چه عواملی بر بین‌المللی سازی برنامه‌های درسی در آموزش عالی ایران موثرند؟
- ۳- شرایط، منابع و امکانات لازم برای بین‌المللی سازی برنامه‌های درسی در آموزش عالی ایران کدامند؟
- ۴- موانع و محدودیت‌های بین‌المللی سازی برنامه‌ی درسی در آموزش عالی ایران کدامند؟
- ۵- چه موضوعاتی برای بین‌المللی سازی برنامه‌ی درسی در آموزش عالی ایران مناسبند؟
- ۶- چه فرصت‌هایی برای بین‌المللی سازی برنامه‌ی درسی آموزش عالی ایران وجود دارد؟
- ۷- راهبردهای کلان بین‌المللی سازی برنامه‌ی درسی در آموزش عالی ایران کدامند؟
- ۸- راهبردها و فعالیت‌های بین‌المللی سازی برنامه‌ی درسی در سطح مؤسسه‌ای و اجرایی در آموزش عالی ایران کدامند؟

### روش‌شناسی تحقیق

#### روش تحقیق

تحقیق حاضر از نوع کیفی بوده است.

#### جامعه و روش نمونه‌گیری

مکان پژوهش سه دانشگاه تهران، صنعتی شریف (پردیس تهران و بین‌المللی کیش) و بین‌المللی امام خمینی (ره) قزوین، با توجه به پیشینه‌ی خود در بین‌المللی سازی آموزش عالی در ایران انتخاب شده‌اند. شرکت‌کنندگان در این مطالعه در بخش مصاحبه‌ی انفرادی ۱۲ نفر از مدیران (عالی، میانی، اجرایی) و اساتید ایرانی، در بخش جلسات گروه‌های کانونی نیز دو گروه ۱۴ و ۹ نفره از دانشجویان غیر ایرانی مشغول به تحصیل در کشور بوده‌اند. نمونه‌گیری از نوع هدفمند<sup>۱</sup> و به شیوه‌ی گلوله برفی<sup>۲</sup> انجام گرفته است.

#### ابزار جمع‌آوری اطلاعات

برای گردآوری داده‌ها، فنون مصاحبه‌ی انفرادی و گروه‌های کانونی<sup>۳</sup> مورد استفاده قرار

1- Purposed sampling

2- Snowball

3- Focus groups

گرفتند. مصاحبه به صورت نیمه ساختار یافته با ۸ سؤال مرتبط با اهداف تحقیق انجام شد.

### روایی و پایایی ابزار تحقیق

روایی ابزار تحقیق از طریق تأیید ۱۰ نفر از اعضای گروه‌های متخصص و اعتبار آن از طریق چک کردن نظر اعضای شرکت‌کننده‌ی<sup>۱</sup> که اطلاعات از آنان به دست آمده بود، صورت گرفت.

### روش تحلیل داده‌ها

برای تحلیل اطلاعات نیز، ابتدا مصاحبه‌ها که به صورت فایل صوتی بودند، پیاده‌سازی و مستند شده و سپس کدگذاری و در ۸ بخش مرتبط با سؤالات مصاحبه، طبقه‌بندی شدند و در ارتباط با ادبیات پژوهش مورد تحلیل و تفسیر قرار گرفتند.

### یافته‌های تحقیق

در این بخش یافته‌های حاصل از مطالعه، به ترتیب پاسخ به سؤالات تحقیق به صورت توضیحی، تفسیری و در مواقعی نقل قول ارائه شده‌اند.

### پاسخ سؤال اول

**روند جهانی شدن:** بر اساس اظهارات مصاحبه‌شوندگان، بیش‌ترین ضرورت بین‌المللی سازی برنامه‌های درسی مبتنی بر روند جهانی شدن است و در راستای آن بر لزوم کسب صلاحیت‌های لازم در فارغ‌التحصیلان جهت کار و زندگی در جوامع میان‌فرهنگی و بین‌المللی، شناخت از سایر ملل و فرهنگ‌ها و احترام به آن‌ها، حضور در عرصه‌ی بین‌المللی و رقابت‌ها تأکید شده است. طبق نظر آنان از بین رفتن مرزها به واسطه‌ی تأثیر فناوری اطلاعات و ارتباطات و حرکت به سوی جهانی شدن در دنیای کنونی گریزناپذیر است. در این راستا یکی از مصاحبه‌شوندگان اظهار داشته است «لازم است تا دانش‌آموختگان نسبت به فرهنگ‌ها و ملل گوناگون شناخت داشته تا شایستگی زندگی در هر کجای دنیا را پیدا کنند».

**کسب اقتدار علمی و دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز ۲۰ ساله‌ی کشور:** عملیاتی نمودن اهداف سند چشم‌انداز ۲۰ ساله‌ی کشور، تبدیل ایران به قدرت علمی اول منطقه و کاهش فاصله‌ی ایران از پیشرفت‌های علمی و آموزشی دنیا؛ از دیگر دلایل مهم پرداختن به بین‌المللی سازی است. در همین راستا یکی از مصاحبه‌شوندگان معتقد بود «لازم است تا نسبت به برنامه‌های آموزشی و پژوهشی، تولید علم و فناوری سایر کشورها آگاهی داشته باشیم تا بتوانیم خود را با آنها مقایسه کرده و نقاط قوت و ضعف خود را شناسایی کنیم» و بنا بر گفته‌ی یکی از استادان «با توجه به این‌که شرایط و عوامل مختلفی موجب گشته‌اند که در طی ۳۰-۲۰ سال گذشته، ایران نتواند همگام با پیشرفت‌های علمی دنیا حرکت کند، بین‌المللی سازی آموزش عالی و برنامه‌های درسی می‌تواند تا حدودی جبران‌کننده باشد».

**شناساندن تمدن ایرانی به مردم دنیا:** وجود ظرفیت‌های تمدنی در ایران و لزوم شناساندن این تمدن به مردم دنیا، آموزش عالی ایران را ملزم به داشتن نگاهی بین‌المللی می‌سازد. از نظر یکی از استادان «با توجه به ظرفیت‌های موجود در عصر ارتباطات و فضای مجازی، لازم است تا کشوری مثل ایران با قدمت، تمدن و جایگاه تاریخی در جهان علم و فرهنگ به مردم دنیا شناسانده شود و مردم دیگر با اندیشه‌های فیلسوفان، ادبا و فقهای آن آشنا گردند». همچنین بنا بر اظهارات یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان «لازم است تا جریان تمدنی ایران به فراتر از مرزهای خودی راه یابد؛ چرا که این تمدن به نیکویی پاسخ‌گوی نیازهای بشری است و برای این امر می‌بایست زمینه را برای حضور دانشجویان خارجی به صورت فیزیکی و غیر فیزیکی در کشور فراهم سازیم و در این راستا برای پاسخ‌گویی به نیازهای این بافت دانشجویی بین‌المللی، باید برنامه‌ی درسی هم به سوی بین‌المللی شدن پیش رود».

**جلوگیری از فرار مغزها:** به نظر تعدادی از مصاحبه‌شوندگان، فراهم بودن شرایط مناسب آموزشی و پژوهشی و موقعیت‌های تعامل و بهره‌مندی از دستاوردهای علمی و فرهنگی سایر ملل، یکی از مهم‌ترین عواملی است که می‌تواند افراد نخبه و متخصص را در کشور نگه دارد و مانع از هدر رفتن سرمایه‌های انسانی گردد. آنچه واضح است این است که اگر کشورهای رو به توسعه در صدد بین‌المللی سازی آموزش عالی خود بر نیایند، نظام‌های آموزش عالی برتر دنیا، نخبگان این کشورها را جذب خواهند کرد.

## پاسخ سؤال دوم

**زبان تدریس و ارتباط:** بر اساس مجموع نظر مصاحبه‌شوندگان، زبان مهم‌ترین عامل تأثیرگذار بر بین‌المللی سازی است. با توجه به این‌که زبان رسمی تدریس و محتوای کتب درسی در ایران برای کلیه‌ی دانشجویان اعم از ایرانی و غیر ایرانی، فارسی است، دانشجویان بین‌المللی که برای تحصیل به ایران می‌آیند علاوه بر مشکلات ارتباطی، در درک مطالب درسی نیز با دشواری‌های فراوانی روبه‌رو می‌شوند و عدم آشنایی با هنجارهای ارتباطی زبانی و فرهنگی می‌تواند برای آنان بسیار تنش‌زا بوده و منجر به جلوگیری از شرکت فعالانه‌شان در کارهای گروهی، بحث‌های کلاسی و غیره باشد. به نظر یکی از مدیران عالی «یک خارجی وقتی وارد کشور می‌شود به ناچار در تعاملات اجتماعی‌اش زبان فارسی را یاد می‌گیرد و این برایش شیرین نیز است، پس چه لزومی دارد که به اجبار به زبان فارسی درس بخواند. باید بدانیم و باور کنیم که این امر به معنی فروختن و فراموش کردن فرهنگ و زبان نیست بلکه انعطاف‌پذیری است».

**صلاحیت استادان و مدیران:** مراد از صلاحیت، دارا بودن دانش، نگرش، مهارت، تجربه، علاقه و انگیزه در زمینه‌ی بین‌المللی سازی آموزش عالی و برنامه‌های درسی است. به اعتقاد مصاحبه‌شوندگان، یکی از دلایل عمده‌ی ضعف عملکردهای علمی و فرهنگی بین‌المللی ایران، نداشتن محتوای مناسب برای عرضه است و این امر ناشی از ضعف علمی و زبانی استادان و کمبود نیروی انسانی متخصص در این زمینه است. به نظر یکی از استادان «لازم است مدیر دارای تجربه و سابقه‌ی زندگی یا تحصیل در کشورها و فرهنگ‌های دیگر باشد؛ چرا که باعث می‌شود دارای علائق، نگرش و نگاهی منطقی و مثبت‌تر نسبت به آموزش عالی و برنامه‌ی درسی بین‌المللی گردد». او اظهار می‌دارد «تجربه، نگرش، دانش و انگیزه‌ی درونی استادان نیز در بین‌المللی سازی بسیار مهم است؛ چرا که نداشتن این مجموعه صلاحیت‌ها باعث می‌شود که این افراد در ضمن همکاری‌های بین‌المللی، انعطاف‌پذیری لازم را نداشته و به سختی خود را با فرهنگ دیگری وفق دهند».

**تدارک فرصت‌های توسعه‌ی حرفه‌ای برای مدیران و استادان:** رشد و توسعه‌ی حساسیت میان‌فرهنگی استادان، ابزار قدرتمندی برای تلفیق دیدگاه‌های بین‌المللی آنان در برنامه‌ی درسی محسوب می‌شود. طبق تجارب شرکت‌کنندگان، تدارک دوره‌های آموزشی برای



استادان و مدیران در زمینه‌ی شناسایی فرهنگ کشورهای دیگر و چگونگی بین‌المللی سازی برنامه‌های درسی، تدارک فرصت‌هایی جهت مطالعه، تدریس و فعالیت‌های پژوهشی برون‌مرزی و غیره، مواردی هستند که موجب توسعه‌ی صلاحیت و حساسیت‌های میان‌فرهنگی آنان می‌گردند.

**خدمات پشتیبانی:** طبق اظهارات مصاحبه‌شوندگان، میزان ارائه‌ی خدمات پشتیبانی در زمینه‌های آموزشی و غیر آموزشی برای دانشجویان بین‌المللی، خصوصاً در اوایل دوره‌ی آموزشی بسیار حائز اهمیت است و از نظر روانی برای آنان تکیه‌گاهی به حساب می‌آید. این حمایت‌ها می‌توانند از طریق مؤسسه، استادان، دانشجویان داخلی و مشاوران تحصیلی و روانی به طور مجزا و یا از طریق مراکز مشخص، ارائه گردند.

**همکاری‌های علمی بین‌المللی:** بر اساس اظهارات مصاحبه‌شوندگان، این همکاری‌ها سبب ارتقای جایگاه علمی کشور و تربیت نیروی انسانی متخصص در جهت رفع نیازهای کشور و جهان می‌گردد. وجود یک رابطه‌ی دو سویه در تبادلات علمی و فرهنگی همچنین، فرصت حضور خارجی‌ان برای بهره‌مندی آنان از اندیشه‌ها و فرهنگ خودی و در ضمن ظرفیت‌سازی به منظور انعکاس سایر دیدگاه‌ها و اندیشه‌ها را فراهم می‌سازد.

**سیاست‌های کلان آموزش عالی:** این‌که آیا آموزش عالی باید بسته باشد؛ آیا آموزش عالی باید بومی باشد؛ جایگاه آموزش عالی بین‌المللی و پرورش فارغ‌التحصیلانی با صلاحیت‌های میان‌فرهنگی در سیاست‌ها و رسالت‌های آموزش عالی کجاست و غیره از مواردی هستند که در سیاست‌های کلان آموزش عالی هر کشور مورد توجه قرار می‌گیرند و منبعث از نگرش سطوح عالی مدیریتی هستند. از نظر شرکت‌کنندگان در این مطالعه، لازم است تا نگاه و نگرش دولت، مدیران، برنامه‌ریزان و غیره، به آموزش عالی نگاهی بین‌المللی باشد تا نیاز به فعالیت در سطح بین‌المللی و تأمین نیروی انسانی متخصص برای این فعالیت‌ها را احساس کنند و همان‌طور که یکی از مدیران اجرایی ذکر می‌کند «لازم است تا مبحث بین‌المللی سازی آموزش عالی در سند راهبردی، توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی لحاظ گردد و در راستای آن سیاست‌های کلان وزارت علوم تعیین و به دنبال آن برنامه‌ریزی صورت گرفته و قوانین تدوین گردند».

### پاسخ سؤال سوم

**سرمایه‌گذاری و منابع:** دامنه‌ی گسترده‌ای از فعالیت‌های فرایند بین‌المللی سازی برنامه‌های درسی مانند تهیه‌ی منابع و کتب، تشویق و ترغیب استادان، ارائه‌ی فرصت‌های توسعه‌ی حرفه‌ای، دعوت از استادان و محققان بین‌المللی، تأمین فناوری‌ها، ارائه‌ی فرصت‌های مطالعاتی و کارورزی، برنامه‌های تبادلی، پشتیبانی از برنامه‌های توسعه‌بخش و فوق برنامه‌ی درسی و غیره، به طور جدی بستگی به وجود سرمایه و منابع مالی کافی دارند که مؤسسه برای این امر تخصیص داده است. در همین راستا یکی از استادان چنین اذعان می‌دارد «هر چه منابع مالی دانشگاه بالاتر باشد، از امکانات آموزشی و تحقیقاتی بیش‌تری برخوردار است، لذا توجه دانشگاه‌های بهتر و پیشرفته‌تر جهان به آن بیش‌تر شده، امکان جذب دانشجویان و استادان خبره‌ی خارجی نیز بیش‌تر می‌گردد». از نظر شرکت‌کننده‌ی دیگر «امکانات مالی در تلاش استادان به منظور بین‌المللی سازی برنامه‌های درسی‌شان مؤثر است؛ چرا که آنان را تشویق می‌کند تا برای برطرف کردن نیازهای خود به کارهای خارج از دانشگاه و یا خارج از کشور روی نیاورند».

**فناوری:** زیر ساخت‌ها، امکانات و تجهیزات آموزشی مبتنی بر فناوری، از دیگر موارد درخور توجه شرکت‌کنندگان در این مطالعه هستند. بنا بر اظهار یکی از شرکت‌کنندگان «در عصر کنونی، مورد توجه قرار ندادن ICT در هر گونه نوآوری آموزشی از جمله IOC، می‌تواند چالشی جدی و امکان برخورداری از مزایای آن نیز، تسهیل‌گر محسوب شود».

**امکانات رفاهی و محیط زندگی اجتماعی:** از آن‌جا که دانشجویان غیر ایرانی به لحاظ دوری از وطن و خانواده و قرار گرفتن در موقعیتی تازه به لحاظ زبانی و فرهنگی، دچار استرس و نگرانی‌های خاص روانی هستند، تأمین امکانات اولیه‌ی زندگی نباید برای آنان دغدغه‌ای اضافی ایجاد کند. در همین راستا یکی از مشارکت‌کنندگان اظهار داشته است «شهرهای کوچک با فرهنگ‌های نسبتاً بسته، ظرفیت لازم برای پذیرش دانشجویان خارجی را که دارای فرهنگ متفاوتی هستند ندارند و دانشجویان غیر ایرانی در این شهرها از احساس امنیت و آرامش کم‌تری برخوردارند». مسأله‌ی دیگر مورد توجه و احترام قرار دادن هویت فرهنگی، عقیدتی و پوششی دانشجویان خارجی است. همچنین ایجاد تسهیلات در رفت و آمد، اخذ ویزای دانشجویی و دیدار دانشجویان با خانواده‌هایشان، نیز موضوعی درخور تأمل

است؛ چرا که موانع قانونی و ساختار دیوان‌سالاری موجب خستگی و دلزدگی شدید این دانشجویان برای ادامه تحصیل در کشور شده و به علاوه ذهنیت بدی از زندگی و اقامت در ایران برایشان ایجاد خواهد کرد.

### پاسخ سؤال چهارم

**ساختار و روابط سیاسی:** ساختار سیاسی و نوع و دامنه‌ی روابط سیاسی هر کشور نقش تعیین‌کننده‌ای در درک و پذیرش الگوهای سایر کشورها و فرهنگ‌ها دارند. برای مثال بنا بر اظهارات یکی از استادان «از آن‌جا که مباحث سیاسی در ایران نشأت گرفته از مباحث عقیدتی هستند، انعکاس آن‌ها در موضوعات درسی چون روابط بین‌الملل، حقوق سیاسی، اقتصاد، جامعه‌شناسی و غیره، این موضوعات را از ویژگی‌های خاص برخوردار می‌کند». شرکت‌کننده‌ی دیگر نیز اذعان می‌دارد «در کشور ما به دلیل آمیختگی سیاست و مذهب، بین‌المللی سازی برنامه‌ی درسی با دشواری سیاسی روبه‌روست؛ چرا که سیاست ریشه‌ی عقیدتی داشته و برای ورود و جاری کردن جهت‌گیری بین‌المللی در برنامه‌های درسی فضای مناسبی وجود ندارد».

**موانع قانونی:** عدم شفافیت و انعطاف‌پذیری قوانین جاری در زمینه‌ی همکاری‌های بین‌المللی از دیگر موانع IOC است. در همین راستا یکی از مصاحبه‌شوندگان اظهار داشته است «عدم شفافیت و محدودیت‌های قوانین و مقررات وزارت علوم در راستای زبان تدریس در دوره‌های بین‌المللی و ممنوعیت زبان تدریس به غیر از زبان فارسی در قانون اساسی کشور از جمله مواردی هستند که می‌توانند مانع جدی برای جذب دانشجویان خارجی گردند». دیگری اذعان می‌دارد «عدم ثبات، دست‌وپاگیر بودن و به روز نبودن بسیاری از قوانین داخلی کشور، موانعی هستند که باید مورد توجه جدی قرار گیرند».

**شهرت دانشگاه‌ها:** با توجه به این‌که در حال حاضر کارفرمایان بین‌المللی در پی جذب دانش‌آموختگانی هستند که برای بازارهای جهانی تربیت شده‌اند، داوطلبین نیز در پی ورود به دانشگاه‌هایی هستند که در سطح بین‌المللی مطرح بوده و برنامه‌های درسی‌شان پاسخ‌گوی نیازهای روز دنیا و جوامع میان‌فرهنگی باشد. بنا بر اظهارات یکی از دانشجویان غیر ایرانی «در مواقعی که یک کشور بهترین جا برای تحصیل در رشته‌ای خاص نباشد، شهرت دانشگاه مهم

است. ممکن است برای کسی که قصد تحصیل در رشته‌ای چون ادبیات فارسی را دارد، اعتبار دانشگاه‌های ایران مطرح نباشد ولی در علمی چون مهندسی و پزشکی، بر انتخاب دانشجویان تأثیر خواهد گذاشت».

### پاسخ سؤال پنجم

**موضوعات وابسته به فرهنگ و تمدن:** از نظر تعدادی از استادان و دانشجویان غیر ایرانی، قدمت و پیشینه‌ی ایران از نظر تاریخی و مذهبی در این اولویت‌بندی تأثیر مهمی دارد و امکان موفقیت بین‌المللی سازی در زمینه‌ها و موضوعاتی بیش‌تر است که فرهنگ و تمدن ایرانی چارچوب علمی آن‌ها را تشکیل می‌دهد، مانند ادبیات فارسی، تاریخ تمدن ایران زمین، هنر و معماری ایرانی و علوم و فلسفه اسلامی. بنا بر عقیده‌ی یکی از استادان «ساحت‌های بین‌المللی سازی در ادبیات فارسی خیلی باز است؛ چرا که ادبیاتی موحدانه، متعهدانه و برابند فکری شعرائی است که اندیشه‌های آنان می‌تواند در سطح دنیا مطرح شود». عده‌ای از شرکت‌کنندگان نیز معتقد بودند که موضوعاتی مناسب بین‌المللی سازی هستند که بتوان برای آن‌ها فصل مشترکی در دنیا پیدا کرده، فرهنگ در آن‌ها خیلی دخیل نبوده و در صورت لزوم بتوان در بعضی جای‌ها به تفرق رسید؛ مانند علوم پایه.

**رویکرد میان‌رشته‌ای:** امروزه این رویکرد از انعکاس نسبتاً گسترده‌ای در سطح آموزش عالی جهان برخوردار است. موضوعاتی که تلفیق و تجمیعی از چند علم بوده، جنبه‌ی کاربردی دارند و برای پاسخ‌گویی به نیازهای برآمده از دنیای کنونی طراحی شده‌اند. از نظر یکی از استادان «حرکت به سوی فضا‌های بین‌المللی و تحول برنامه‌های درسی از طریق رویکرد میان رشته‌ای تا حدود زیادی امکان‌پذیر است و برای تدوین این رشته‌ها، نیازسنجی از محیط زندگی جهانی امری ضروری است».

### پاسخ سؤال ششم

**محیط اسلامی کشور:** محیط اسلامی کشور می‌تواند نوعی مزیت فرهنگی باشد که باید از آن به عنوان فرصتی در جهت جذب دانشجویان و پژوهشگران علاقه‌مند به ویژه از کشورهای منطقه استفاده‌ی مناسبی به عمل آورد. به اعتقاد یکی از دانشجویان غیر ایرانی «این محیط برای

بسیاری از مسلمانان خصوصاً خانم‌ها، در سایر کشورها، به دلایل فرهنگی و عقیدتی دارای جذابیت و امنیت است». از طرفی بنا بر اظهارات شرکت‌کنندگان، بنیه و تجربه‌ی ایران در علوم اسلامی و حوزوی نیز مزیتی است که موجب جذب دانشجویان و محققان علاقه‌مند به تحصیل و تحقیق در این زمینه می‌گردد.

**متقاضیان ادامه تحصیل در سطح منطقه:** بنا بر اظهارات مصاحبه‌شوندگان، تعداد زیاد متقاضیان تحصیل در مقطع آموزش عالی در سطح منطقه فرصت قابل تأملی به حساب می‌آید و حضور شعبات دانشگاه‌های معتبر دنیا در منطقه بیانگر این تقاضاست. به‌علاوه، وجود تشابهات زیاد زبانی و فرهنگی در سطح منطقه نیز فرصت قابل توجهی است که می‌تواند جذابیت آموزش عالی ایران را برای داوطلبان افزایش دهد.

### پاسخ سؤال هفتم

**شناخت نظام‌های آموزش عالی سایر کشورها:** این شناخت خصوصاً از کشورهایی که فعالیت‌های مشترک با ایران دارند، راهبردی درخور توجه است. در همین راستا یکی از مدیران میانی اظهار داشته است «انجام مطالعات تطبیقی در زمینه‌ی برنامه‌های درسی با سایر کشورها و تعیین پتانسیل، نقاط قوت و ضعف خود در حوزه‌های مختلف و سپس شناسایی نقاط کانونی هر حوزه در سطح منطقه به منظور دیالوگ‌های علمی، می‌تواند در تدوین برنامه‌های درسی بین‌المللی کمک‌کننده باشد». روش دیگر، پیوستن به کنوانسیون‌های منطقه‌ای و بین‌المللی است. از نظر یکی از استادان «این کار علاوه بر شناخت، موجب یکپارچه‌سازی نظام آموزش عالی کشور با سایر اعضای کنوانسیون و در نتیجه تسهیل در مراودات علمی می‌گردد».

**ایجاد تشکیلات ویژه در وزارت علوم:** ایجاد تشکیلات تخصصی در وزارت علوم، نیز راهبرد قابل تأملی است که باید مورد توجه برنامه‌ریزان و تصمیم‌گیرندگان قرار گیرد. به اعتقاد یکی از مدیران میانی «ایجاد دپارتمان ویژه‌ای برای دوره‌های بین‌المللی و یا تشکیل کارگروهی تخصصی در سطح وزارت علوم در راستای بررسی مسائل و چالش‌های مربوط به بین‌المللی سازی آموزش عالی و برنامه‌های درسی مانند تعریف بین‌المللی سازی، چالش‌های آن، تعیین پارادایم‌های دخیل در آن، برنامه‌ریزی، ظرفیت‌سازی، تدوین سیاست‌ها، قوانین، دستورالعمل‌ها و غیره می‌تواند به طور راهبردی در حل مسائل و مشکلات مربوط به بین‌المللی سازی

برنامه‌های درسی تأثیرگذار باشد».

**هم‌افزایی داخلی:** از دیگر راهبردهای مؤثر در راستای بین‌المللی سازی آموزش عالی و برنامه‌های درسی آن، همکاری بین دانشگاهی در سطح ملی برای هم‌افزایی در راستای فعالیت‌های بین‌المللی آن‌هاست. بنا بر اظهارات یکی از مدیران «بهتر است دانشگاه‌های کشور به موازات رقابت سالمی که در جذب دانشجویان و ارتقای علمی خود با هم دارند، یک‌دیگر را از پیشرفت‌های علمی‌شان بهره‌مند سازند و کاستی‌های هم را جبران نمایند.»

### پاسخ سؤال هشتم

آنچه در پاسخ به این سؤال مد نظر است مربوط به فعالیت‌هایی است که در راستای بین‌المللی سازی اهداف، محتوا، مواد و منابع آموزشی، روش‌های یاددهی-یادگیری و ارزشیابی در یک برنامه‌ی درسی بدان‌ها پرداخته می‌شود. در همین راستا مضامین استخراج شده از یافته‌ها عبارتند از:

**اهداف:** هدف یک برنامه‌ی درسی بین‌المللی باید متمرکز بر پرورش دانش‌آموختگانی با صلاحیت‌های بین‌المللی و میان‌فرهنگی، برای کار و زندگی اثربخش در جامعه‌ی جهانی باشد.

**محتوا، مواد و منابع آموزشی:** از نظر مصاحبه‌شوندگان، بهتر است در یک برنامه‌ی درسی بین‌المللی محتوای آموزشی به جز در موارد خاص، به زبان بین‌المللی و یا در بعضی از دروس به دو زبان فارسی و بین‌المللی باشد و با رعایت تنوع سبک‌ها در قالب‌های خواندنی، شنیداری، دیداری، ابر متن‌ها و غیره و یا تلفیقی از این سبک‌ها، از منابع علمی روز دنیا تهیه و ارائه گردد. بهتر است محتواها به گونه‌ای تدوین شوند که علاوه بر آشنایی با فرهنگ خودی، آشنایی با سایر فرهنگ‌ها نیز در آن‌ها گنجانده شود. به نظر یکی از شرکت‌کنندگان «این کار را می‌توان از طریق مقایسه در بین چند کشور جهان در کاربرد مباحث تخصصی و یا ارائه‌ی اندیشه‌ها و یافته‌های فیلسوفان و اندیشمندان ایرانی در کنار نظریه‌های دانشمندان بزرگ سایر کشورها، تدارک دروس انتخابی راجع به سایر کشورها، فرهنگ‌ها و مذاهب، آوردن مثال‌ها، مطالعات موردی و تمرین‌هایی متناسب با فرهنگ‌های دیگر در کنار مثال‌ها و تمرینات خودی و غیره انجام داد». شرکت‌کننده‌ی دیگر اظهار داشت «لازم است در تعیین محتوای بین‌المللی، به تفاوت سطح زبانی و علمی دانشجویان خارجی با یک‌دیگر و با دانشجویان ایرانی توجه

شود و تنظیم و پیکربندی محتوا بر اساس قواعد، دشواری، میزان کاربرد و غیره صورت گیرد». به نظر یکی از استادان «بهتر است برای دانشجویان بین‌المللی متون خاص تهیه نمود و برگزیده‌های موضوعی را که متناسب با درک و زمان محدود آن‌ها باشد برایشان در نظر گرفت».

**روش‌های یاددهی - یادگیری:** به اعتقاد مصاحبه‌شوندگان، در نظر گرفتن شیوه‌های یاددهی - یادگیری قبلی دانشجویان و انعطاف در استفاده از روش‌های مختلف تدریس به تناسب موضوع درسی از راهبردهایی هستند که در کاهش مشکلات ناشی از ناسازگاری زبانی، تعلیم و تربیتی و فرهنگی دانشجویان بین‌المللی تأثیر چشمگیری دارند.

**ارزشیابی:** بنا بر تجربه‌ی شرکت‌کنندگان در مصاحبه، در یک برنامه‌ی درسی بین‌المللی، شیوه‌های ارزشیابی نیز قالبی متنوع و میان‌فرهنگی دارند. به قول یکی از آنان «ارزشیابی باید با توجه به درک و فرهنگ دانشجویان صورت پذیرد تا دانشجویان قضاوت صحیحی از نحوه‌ی ارزشیابی داشته باشند» و یا «با دادن حق انتخاب به دانشجویان در انجام تکالیف، تحقیقات و پروژه‌های درسی، تا حدودی می‌توان رویکرد میان‌فرهنگی را در برنامه‌ی درسی لحاظ کرد».

**رویکرد آموزش از دور:** از دیگر راهبردهای مهمی که می‌تواند نقش عمده‌ای در بین‌المللی سازی برنامه‌های درسی بازی کند ارائه‌ی محتواها در قالب الکترونیکی و استفاده از رویکرد آموزش از دور<sup>۱</sup> و آموزش مجازی<sup>۲</sup> در کنار آموزش مرسوم حضوری است. در مجموع مصاحبه‌شوندگان در راستای مزیت‌ها و مناسب بودن این رویکرد برای IOC بر نکاتی چون افزایش بهره‌وری، نبود مرزهای جغرافیایی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی در این محیط یادگیری و ویژگی‌هایی چون یادگیری مستقل، فرا زمانی و فرا مکانی، استفاده از مواد و منابع آموزشی متنوع با ریشه‌های فکری و فرهنگی مختلف و در قالب‌های گوناگون، استفاده از رویکردهای مختلف یاددهی - یادگیری و ارزشیابی و وجود امکاناتی چون ارائه‌ی بازخورد فوری، مشارکت، برگزاری جلسات، روزآمد سازی محتوا، ضبط و بایگانی و به‌کارگیری شبیه‌سازی‌ها اذعان داشتند که می‌تواند محیط مناسبی را برای یادگیرندگان بین‌المللی و میان‌فرهنگی که دارای نیازها، ویژگی‌های شخصیتی، سبک‌های یادگیری، پیشینه‌های فرهنگی و تعلیم و تربیتی

1- Distance education

2- Virtual education

گوناگون و نیازمند انعطاف‌پذیری بالا هستند فراهم سازد. به قول یکی از مدیران میانی «این رویکرد امکان تحصیل خارجیانی را که علاقه‌ای به حضور فیزیکی در ایران ندارند افزایش داده و لذا شیوه‌ای مقرون به صرفه است». اما در مورد این‌که آیا می‌توان این رویکرد را به عنوان مستقل و یا ترکیبی مورد استفاده قرار داد، بنا بر اظهار یکی از شرکت‌کنندگان «آن می‌تواند به مأموریت دانشگاه بستگی داشته باشد. با توجه به اینکه اعتبار این شیوه هنوز به اندازه‌ی آموزش سنتی نیست، ممکن است بعضی از دانشگاه‌ها ترجیح‌شان بر آن باشد که فقط در بعضی از موضوعات درسی، رویکرد آموزش از دور را در کنار شیوه‌ی سنتی و حضوری خود مورد توجه قرار دهند».

ماهیت موضوع درسی نیز در استفاده‌ی مستقل یا ترکیبی این رویکرد مؤثر است. به عنوان مثال یکی از استادان اظهار می‌دارد «در بعضی از موضوعات مانند مدیریت که نیاز کم‌تری به دروس آزمایشگاهی و تجربی وجود دارد، رویکرد آموزش از دور مؤثرتر و در موضوعات فنی که نیازمند فعالیت‌های آزمایشگاهی و تجربی هستند کم‌تر اثرگذار است». بنا بر اظهارات مصاحبه‌شوندگان، اگر چه پیشرفت‌های اخیر فناوری موجب کاهش نقاط منفی آموزش غیر حضوری شده است؛ ولی به علت کمبود زیر ساخت‌ها، امکانات و مسائل مالی در کشور هنوز نمی‌توان تکیه‌ی زیادی به استفاده‌ی مطلق از فضاهای مجازی نمود و وجود آموزش حضوری اجتناب‌ناپذیر است.

## بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به یافته‌های مطالعه می‌توان نتیجه‌گیری کرد که روند جهانی شدن و ایجاد جوامع چند فرهنگی، ایجاب می‌کند که آموزش عالی ایران و برنامه‌های درسی آن نیز با این روند هم‌سوئی کنند. تا ضمن مشارکت دو جانبه در تعاملات علمی و فرهنگی با سایر ملت‌ها، از خروج نخبگان برای بهره‌مندی از امکانات آموزشی و پژوهشی بیش‌تر، جلوگیری شود. نتایج مطالعه‌ی والی، لانگلی و ویلاریل (۱۹۹۷)، نایت<sup>۱</sup> (۲۰۰۳) و بستر<sup>۱</sup> (۲۰۰۹) نیز مؤید این امر هستند.

1- Knight



در راستای مواجهه با چالش تدریس اجباری به زبان فارسی، لازم است تا علاوه بر حمایت‌های زبانی و روانی از دانشجویان غیر ایرانی، محتوای بین‌المللی و تدریس آن، به زبان بین‌المللی بوده و یا حداقل در نسخه‌ای با این زبان نیز در دسترس باشد. نتایج مطالعات ویلیامز<sup>۲</sup> (۲۰۰۸) و گری سن<sup>۳</sup> (۲۰۰۶) نیز مؤید این نکته‌اند.

بر اساس یافته‌ها هر چه صلاحیت استادان به عنوان مهره‌های کلیدی و مدیران به عنوان سکانداران در زمینه‌ی بین‌المللی سازی بیش‌تر باشد، همکاری‌های علمی بین‌المللی دانشگاه‌ها روند صعودی‌تری را طی خواهد کرد. اما آن‌چه موجب ایجاد و افزایش این صلاحیت در استادان و مدیران می‌شود، توسعه‌ی حرفه‌ای آنان است. نتایج مطالعه‌ی مستنهوسر و الینگبو<sup>۴</sup> (۱۹۹۸)، بوند<sup>۵</sup> (۲۰۰۶)، نیوبای و سامونل<sup>۶</sup> (۱۹۹۶) و میدستون<sup>۷</sup> (۱۹۹۵) مؤید این امر هستند. یک برنامه‌ی درسی بین‌المللی موفق همچنین در بردارنده‌ی پشتیبانی‌های آموزشی و غیر آموزشی است. این حمایت‌ها می‌تواند در قالب ارائه‌ی اطلاعات حیاتی برای جذب و موفقیت دانشجویان بین‌المللی و مهاجر به زبان‌های دیگر، ارائه‌ی خدمات مشاوره‌ای توسط پرسنل آموزش‌دیده، استفاده از مواد آموزشی به سایر زبان‌ها، مساعدت در کارآموزی دانشجویان و پیوند با کارفرمایانی که مهارت‌های بین‌المللی را مورد ارزش قرار می‌دهند، باشند. یافته‌های مطالعه‌ی والی، لانگلی و ویلاریل (۱۹۹۷) مؤید این امرند.

از دیگر مواردی که در توسعه‌ی بین‌المللی سازی برنامه‌های درسی تأثیر چشمگیری دارد، مراودات علمی دو جانبه‌ی دانشگاه‌ها در سطح بین‌الملل است. نتایج پیمایش انجمن بین‌المللی دانشگاه‌ها<sup>۸</sup> به نقل از نایت (۲۰۰۳) و انجمن دانشگاه‌ها و کالج‌های کانادا (۲۰۰۹) مؤید این امر هستند. اما متأسفانه در کشور ایران به دلیل تأثیر عوامل مختلف درون‌سازمانی و برون‌سازمانی، این نوع همکاری‌ها بسیار کم‌رنگ و ضعیف است. شاید ضعف علمی، زبانی و انگیزشی

- 
- 1- Bostrom
  - 2- Williams
  - 3- Grayson
  - 4- Mestenhauser&Ellingboe
  - 5- Bond
  - 6- Benick,Newby&Samouel
  - 7- Maidstone
  - 8- International Association of University(IAU)

استادان برای تولید محتوایی که قابلیت بین‌المللی داشته باشد از جمله دلایل مهم این امر محسوب شوند ولی موانع ساختاری، سیاسی و اجتماعی را نیز نباید فراموش کرد و لازم است تا برای به چالش کشیدن این موارد، دست‌اندرکاران آموزش عالی در پی راهبردهای متفکرانه و عملیاتی باشند.

سرمایه‌گذاری و تدارک منابع مالی و انسانی نیز در فرایند بین‌المللی سازی آموزش عالی و برنامه‌های درسی آن، از اهمیت بالایی برخوردارند. نتایج مطالعه‌ی مک‌کلین<sup>۱</sup> (۱۹۹۸)، شیلر (۲۰۰۶) و پیمایش انجمن دانشگاه‌های بین‌المللی در ۲۰۰۳ (نقل در نایت، ۲۰۰۳)، نشان می‌دهند که عدم پشتیبانی مالی مهم‌ترین مانع بین‌المللی سازی دانشگاه‌هاست. اما به نظر می‌رسد که در الویت نبودن هدف بین‌المللی سازی آموزش عالی در ایران، منجر به این شده که دولت و بخش خصوصی، در راستای تخصیص منابع و سرمایه‌گذاری در این زمینه نگاه مثبتی نداشته و دانشگاه‌ها در این مسیر با موانع جدی روبه‌رو هستند.

اگر آموزش عالی ایران بخواهد به طور جدی به سوی بین‌المللی سازی برنامه‌های درسی خود پیش رود، لازم است تا امکان موفقیت و فرصت‌های مناسب خود را در نظر داشته باشد. این امکان در زمینه‌ها و موضوعاتی بیش‌تر است که ایران به موجب فرهنگ، تمدن و قدمت خود در آن‌ها شاخص است، از سوی دیگر عده‌ای معتقدند که امکان بین‌المللی سازی در موضوعاتی بیش‌تر است که وابستگی فرهنگی در آن‌ها کم‌تر به چشم می‌خورد و مبانی علمی جهانی مشترکی بر آن‌ها حاکم است. نتایج پیمایش انجمن دانشگاه‌های بین‌المللی در اوایل سال ۲۰۰۳، (نقل در نایت، ۲۰۰۳) مؤید این امر هستند. مزیت فرهنگی ناشی از تشابهات زبانی و فرهنگی کشورهای منطقه با ایران نیز فرصت مناسب دیگری است که می‌تواند متقاضیان زیادی را که در سطح منطقه وجود دارند به سوی آموزش عالی ایران سوق دهد؛ لذا با پرداختن به اموری چون تبلیغات مناسب، هزینه‌های رقابتی، تأسیس مراکز آموزش عالی میان‌مرزی با مشارکت دانشگاه‌های معتبر دنیا، تدوین محتواهای بین‌المللی و غیره می‌توان از این پتانسیل به نحو احسن استفاده کرد. نتایج مطالعه‌ی ویلیامز (۲۰۰۸) مؤید این امر است.

در کنار راهبردهای کلان، فعالیت‌هایی که در سطوح اجرایی برای بین‌المللی سازی

---

1- Mc kellin

برنامه‌های درسی در حیطه‌ی اهداف، محتوا، مواد و منابع آموزشی، روش‌های یاددهی-یادگیری و ارزشیابی مطرح می‌شوند نیز از اهمیت بسزایی برخوردارند. اصول تعلیم و تربیت انتقادی و یادگیری فعال دانشجویان را به کاوش و تحلیل نقادانه‌ی امور ترغیب می‌کند و موجب توسعه‌ی دانش و مهارت‌های میان‌فرهنگی آنان می‌گردد. این اصول تغییر بنیادی در نوع تفکر و نگاه دانشجویان ایجاد می‌کنند و این همان ایده آلی است که در رویکرد تبدیل‌شونده بر آن تأکید می‌شود و در عین سختی، بهترین رویکرد بین‌المللی سازی برنامه‌های درسی است، اگرچه مناسب‌ترین گزینه نیست. نتایج مطالعه‌ی ویلیامز (۲۰۰۸) تأییدکننده‌ی اثربخشی رویکرد تبدیل‌شونده، در IOC هستند. رویکرد تبدیل‌شونده، برای دانشجویان و مدرسان فرصت به اشتراک گذاشتن قدرت در کلاس درس را با یادگیری از یکدیگر فراهم می‌آورد. استفاده از تجارب دانشجویان در چنین کلاس‌هایی موجب غنی‌سازی جنبه‌ی میان‌فرهنگی آنان خواهد شد. بوند (۲۰۰۶) نیز در مطالعه‌ی خود بر این امر تأکید کرده است.

در اینجا لازم به ذکر است که رویکردهای غالب و موجود در برنامه‌های درسی آموزش عالی ایران، با رویکرد پژوهشی، تحلیلی و انتقادی فاصله‌ی نسبتاً زیادی دارند و بیش‌تر مبتنی بر سخنرانی، حفظ کردن، ترجمه‌ی متون و بسنده کردن به جزوات درسی که بعضاً به روز نیستند می‌باشند، لذا نیازمند انجام مطالعات و بازنگری جدی هستند.

از دیگر راهبردهای مهمی که می‌تواند نقش عمده‌ای در بین‌المللی سازی برنامه‌های درسی بازی کند، ارائه‌ی محتواها در قالب الکترونیکی و استفاده از رویکرد آموزش از دور است. نتایج مطالعه‌ی کولیس و واندرونده<sup>۱</sup> (۲۰۰۲) نشانگر آنند که انعطاف‌پذیری بیش‌تر برنامه‌های درسی جنبه‌ی بین‌المللی بیش‌تری به آن‌ها می‌دهند و استفاده‌ی گسترده‌تر از ICT در نسل نوین آموزش از دور می‌تواند هم انعطاف‌پذیری و هم خدمات پشتیبانی را افزایش داده و لذا جنبه‌ی بین‌المللی تری به برنامه‌های درسی بدهد. لیکن در ایران، امکانات ضعیف زیر ساختی، نبود منابع و سرمایه‌ی کافی و مشکلات مربوط به میزان آگاهی و نگرش سیاست‌گذاران، مدیران، استادان و دانشجویان نسبت به آموزش از دور به عنوان یک رویکرد قابل توجه در یادگیری ملی یا بین‌المللی، موجبات کاهش استفاده‌ی مناسب و بهینه از آن را فراهم آورده‌اند و

در حال حاضر شاید بهترین گزینه، استفاده از این رویکرد در کنار آموزش حضوری (یادگیری ترکیبی<sup>۱</sup>) باشد.

### منابع

- آمار آموزش عالی ایران (۸۷-۱۳۸۶). گروه پژوهش‌های آماری و فناوری اطلاعات. تهران، وزارت علوم تحقیقات و فناوری، مؤسسه‌ی پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، سند چشم‌انداز ایران (۱۳۸۶)، قابل دسترس در [www.isna.ir](http://www.isna.ir)
- نوروز زاده، رضا (۱۳۸۶). بررسی و مطالعه‌ی اسناد بالادستی و استنتاج سیاست‌ها برای تدوین برنامه‌ی پنجم. تهران، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، مؤسسه‌ی پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.
- Aspan, J. (1993). *Curricular and administrative considerations*. In Cavusgil, S.T. (Ed.) *Internationalizing business education: Meeting the challenge*, pp 15-30. Michigan: Michigan state university press.
- AUCC (2009). *Internationalization of the curriculum: A practical guide to support Canadian universities' efforts*, Ottawa.
- Benick, G., Newby, D., & Samuel, M. (1996). Forging the links between institutional players. In G. Benick & A. Salooje (Eds), *Creative post-secondary learning environments*, pp 19-33, Toronto, ON: Ryerson Polytechnic University.
- Bond, Sh. (2006). *Transforming culture of learning: Evoking the international dimension in canadian university curriculum*. York University, Canada.

---

1- Blended learning

- Bostrom, Ch. A. (2009). Diffusion of internationalization in Turkish higher education, *Journal of studies in international education*, 10 (5). 143-160
- Collis, B. & van der Wende, M. (2002). *Models of Technology and change in higher education*, Center for Higher Education Policy Studies (CHEPS).
- Galligan, L. (2008). *Internationalisation of the curriculum*, University of Southern Queensland, Learning & Teaching support unit.
- Grayson, J. P. (2006). *The experience and outcomes of domestic and international students at UBC, York, McGill, and Dalhousie*. Retrieved July 4, 2008 from <http://international.yorku.ca/global/conference/canada/papers/Paul-Grayson.Pdf>.
- International study abroad guides*, Malaysia, asia (2008), retrieved: (12/08/2010) from: [http://www.topuniversities.com/country\\_guides/malaysia](http://www.topuniversities.com/country_guides/malaysia)
- Knight, J. (2003). *Internationalization of higher education (practices & priorities)*: 2003 IAU survey report.
- Maidstone, P. (1995). *International literacy: A paradigm for change. A manual for internationalizing the post secondary curriculum*. Victoria, BC: province of British Columbia, Ministry of skills, Training and Labour.
- Mckellin, K. (1998). *Maintaining the momentum: The internationalization of British Columbia's post secondary institutions*. Victoria, BC: The British Columbia centre for international education.
- Mestenhauser, J. A., & Ellingboe, B. J. (1998). *Reforming the higher education curriculum*, Arizona, American council on edu & Oryx Press.
- Robertson, M., Line, M., Jones, S., & Thomas, S. (2000). International students, learning environments and perceptions: A case study using the Delphi technique. *Higher Education Research and Development*, 19 (1), 89-102.
- Shailer, K. (2006). *Internationalizing the curriculum: An inventory of key issues, model programs and resources*, Canada, Academic colleague, OCAD.
- Verbik, L. (2006). *Students on the move : the future of international students in USA*. ACE issue brief.
- Whalley, T., Langley, L., & Villareal, L. (1997). *Best practice guidelines for internationalizing the curriculum*, Dougls college for the province of British Columbia, Ministry of education, skills and training.

Williams, Sh. (2008). *Internationalization of the curriculum: A remedy for international students' academic adjustment difficulties*, Memorial University of Newfoundland. For the degree of Master of Education.